

# مشوق‌ها و موانع بازگشت به کشور: بررسی موردی متخصصان مقیم ایالات متحده آمریکا

علی صنایعی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶

گام اول سیاستگذاری برای بازگشت متخصصان، شناخت موانع و مشوق‌های بازگشت و الگوهای رفتاری متخصصان مقیم خارج از کشور است ولی در این حیطه مطالعات کافی انجام نشده است. براساس مطالعه کیفی صورت گرفته در این مقاله، چند فرضیه درخصوص موانع و مشوق‌ها به دست آمده و سپس با یک پیمایش منحصربه‌فرد از ایرانیان مقیم آمریکا مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل کمی پاسخ‌های بیش از ۱۵۰۰ ایرانی مقیم آمریکا مؤید این فرضیه‌هاست: ۱. مهم‌ترین مشوق بازگشت دلایل شخصی و میهنی افراد است؛ ۲. مهم‌ترین مانع بازگشت کیفیت زندگی است؛ ۳. برای افرادی که فی‌الواقع در معرض تصمیم به بازگشت یا عدم بازگشت هستند، موانع اقتصادی نقشی پررنگ دارند ولی به مرور زمان نقش این موانع کم‌رنگ‌تر می‌شود و نقش عواملی مانند کیفیت زندگی افزایش می‌یابد و به‌طور کلی با طولانی شدن زمان اقامت احتمال بازگشت کاهش می‌یابد؛ ۴. مستقل از مشوق‌ها و موانع بازگشت، افراد تمایل دارند به پیشرفت ایران کمک کنند.

**کلیدواژه‌ها:** مهاجرت متخصصان؛ موانع بازگشت متخصصان؛ مشوق‌های بازگشت متخصصان؛ ایران؛ ایالات متحده آمریکا

\* استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی؛

Email: sanaei@umich.edu

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وششم، شماره نودوهفت، بهار ۱۳۹۸

## مقدمه

افراد بسیاری از ایرانیان، مقیم کشورهای خارجی هستند و تعداد معتابھی از آنها تحصیلات عالی و تخصص‌های ارزشمند دارند. سیل جوانان جویای کار و تحصیلات که سالانه ایران را بعضاً برای همیشه ترک می‌کنند، «فرار مغزها» را ظرف چند دهه گذشته به یکی از دغدغه‌های حاکمیتی تبدیل کرده است. به طوری که از این معضل بسیار سخن به میان می‌آید و راه‌حل‌های مختلفی پیشنهاد می‌شود که از این بین کم‌وبیش سیاست‌هایی هم به عرصه عمل راه یافته‌اند. در این میان پژوهش‌هایی در مورد علل مهاجرت انجام شده است اما پژوهش‌ها درباره دلایل ایرانیان خارج از کشور برای بازگشتن یا بازنگشتن به کشور و موانع پیش روی بازگشت آنها کم است که این امر باعث می‌شود سیاست‌گذاری در این حوزه بدون توجه به واقعیات میدانی و براساس برساخته‌های ذهنی انجام شود. پژوهش پیش‌رو با هدف برداشتن گام اولیه در جهت رفع این نقصان است.

در این پژوهش ابتدا، براساس مشاهده‌های توأم با مشارکت، چند فرضیه در مورد مشوق‌ها و موانع بازگشت به دست آمده است و سپس با استفاده از پیمایشی که از یک نمونه بیش از ۱۵۰۰ نفری از ایرانیان مقیم آمریکا انجام شده، این فرضیه‌ها به بوته آزمایش سپرده شده‌اند. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش ارائه نقشه‌ای از موانع و مشوق‌های بازگشت براساس تحلیل عاملی پاسخ‌های دریافت شده و بررسی میزان تأثیر این موانع و مشوق‌هاست. به طور کلی موانع و مشوق‌ها هر یک به سه دسته تقسیم شده‌اند: موانع اقتصادی، مسائل اجتماعی و کیفیت زندگی همچنین امکانات و فرصت‌های تحقیقاتی، مشوق‌های مربوط به مسائل خانوادگی و اجتماعی، احساس امکان تأثیر در ایران و احساس وظیفه میهنی از جمله این موارد است. مهم‌ترین نکات حائز اهمیت یکی این است که بسیاری از ایرانیان مقیم خارج از کشور هیچگاه تصمیم بر بازنگشتن نمی‌گیرند، بلکه شرایط زندگیشان به گونه‌ای پیش می‌رود که باز نمی‌گردند؛ دیگر اینکه در ابتدای امر موانع اقتصادی مهم هستند ولی به مرور زمان و با طولانی شدن اقامت در خارج، این موانع کم‌رنگ می‌شوند. اما از یک سو موانع مربوط به مسائل اجتماعی و کیفیت زندگی با گذر زمان پررنگ‌تر می‌شوند و از سوی دیگر مشوق‌های شخصی و میهنی برای بازگشتن به مرور زمان کم‌رنگ می‌شوند؛ و نکته دیگر

اینکه بیشتر پرسش‌شوندگان علاقه‌مندند در صورت اقامت در خارج از ایران در جهت ارتقای ایران کمک کنند.

باید تأکید شود که در این پژوهش قصد هیچ داوری در مورد درستی یا نادرستی اخلاقی بازگشتن یا بازنگشتن به ایران نیست، هدف صرفاً بیان مشاهده‌های کیفی و کمی و یافتن الگوهای موجود است که برای سیاستگذاری در این زمینه لازم است. واضح است که برای داوری در مورد درستی یا نادرستی اخلاقی بازگشتن نیاز به دانسته‌هایی است که برای کسی جز فرد تصمیم‌گیرنده امکان دسترسی به آنها فراهم نیست. وانگهی، چه بسیار ایرانیان مقیم خارج از کشور که تأثیرشان در پیشرفت ایران بیشتر از برخی کسانی است که پس از مدتی اقامت در خارج از کشور به ایران بازگشته‌اند. اما این عدم موضع‌گیری اخلاقی، به معنای نداشتن موضع‌سیاستی نیست. از دید کلان ملی، واضح است که حتی بازگشت درصد کمی از متخصصان و صاحبان حرف و سرمایه به ایران می‌تواند تأثیر چشمگیری بر شاخص‌های مختلف علمی و اقتصادی کشور گذارد.

### ۱. طرح مسئله و سابقه تحقیق

مهاجرت و حتی مهاجرت متخصصان امری جدید در تاریخ بشر نیست، ولی ابعاد این پدیده در قرن بیستم، با توجه به سهولت انتقال اطلاعات، کم‌خطر شدن سفرهای بین‌قاره‌ای و مشکلاتی که جنگ‌های جهانی برای افراد در بیشتر نقاط دنیا پدید آورد، باعث شد این پدیده بر صفحه رادار سیاستگذاران بسیاری از کشورها به‌عنوان یک معضل جدی ثبت شود. اصطلاح فرار مغزها<sup>۱</sup> در بریتانیا در فضای بازسازی پس از جنگ جهانی دوم در مواجهه با خروج بسیاری از متخصصان وضع شد که عمدتاً به مقصد آمریکای شمالی و طشان را ترک می‌کردند (MacKay, 1969) و نشان‌دهنده عمق نگرانی از پدیده مهاجرت متخصصان در زمان بازسازی پس از جنگ در اروپا است.

اینکه اصطلاح فرار مغزها در زمان و مکانی دیگر وضع شده از این رو مهم است که به

ما یادآوری کند، به‌رغم تصویری که رسانه‌ها ممکن است القا کنند، مهاجرت متخصصان پدیده‌ای استثنایی و مختص ایران امروز نیست. به همین دلیل نیز پیش از پرداختن به پرسش اصلی این پژوهش لازم است تصویری از وضعیت مهاجرت ایرانیان در مقایسه با مهاجرت از سایر کشورها ارائه شود.

ایران طی یک سده گذشته با افت‌وخیزهای مهاجرتی، هم به‌عنوان مبدأ و هم مقصد، مواجه بوده است. آنچه در وهله اول دلیل اصلی مهاجرت به ایران و از ایران به‌نظر می‌رسد، تحولات سیاسی در ایران به‌خصوص انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و در کشورهای منطقه به‌خصوص جنگ‌های داخلی افغانستان و عراق است. شواهد نشان می‌دهد روند مهاجرت از ایران پس از جنگ تحمیلی فروکش نکرد (حاجی‌یوسفی و به‌مرد، ۱۳۸۵) و حتی با گذشت تقریباً ۳۰ سال از پایان جنگ، کماکان شاهد مهاجرت متخصصان هستیم. اما در مقام مقایسه، وضعیت ایران چگونه است؟

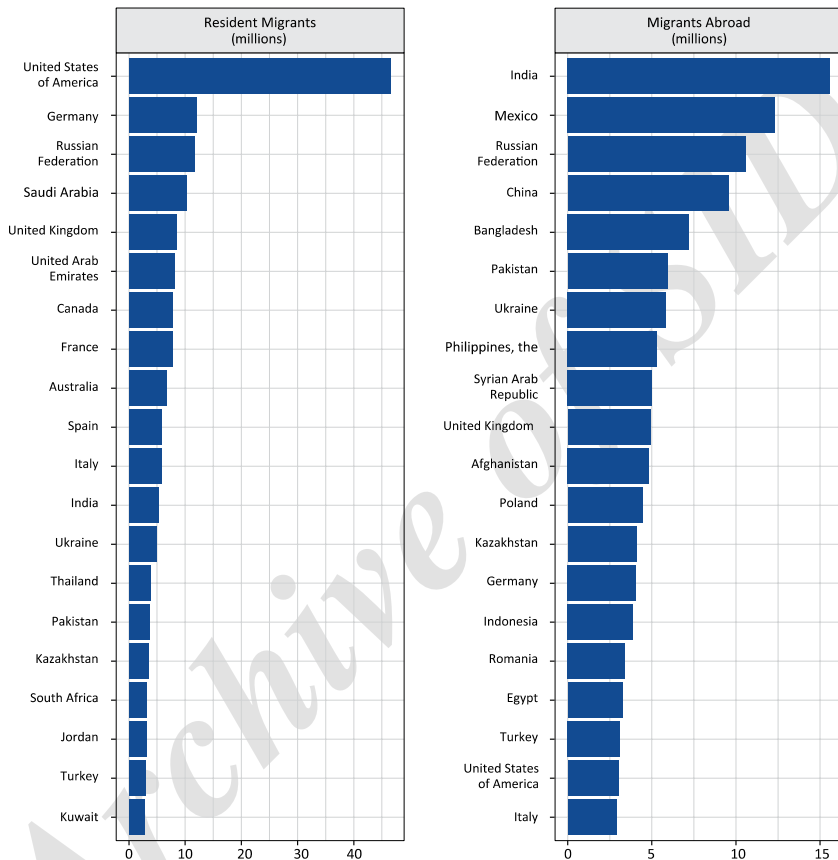
آمارهای سازمان ملل نشان می‌دهد جمعیت مهاجران<sup>۱</sup> در جهان در سال ۲۰۱۵ به ۲۴۴ میلیون نفر (۳/۳ درصد جمعیت جهان) رسیده است که ۴۴ درصد بیشتر از جمعیت مهاجران در سال ۲۰۰۰ است (United Nations, 2015) و بیش از ۲۰ درصد از مهاجرت جهانی، مهاجرت شمال-شمال (از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای توسعه‌یافته) است. همان‌گونه که نمودار ۱ نشان می‌دهد، ایران در میان ۲۰ کشور اول مهاجرفرست محسوب نمی‌شود (International Organization for Migration, 2018) و حتی نرخ مهاجرت از ایران (۱/۵ درصد جمعیت) هم از میانگین جهانی پایین‌تر است.<sup>۲</sup> این امر کاملاً برخلاف تصویری است که رسانه‌های داخلی و خارجی از وضعیت مهاجرت ایرانیان ارائه می‌کنند و ایران را یک استثنا در جهان امروز معرفی می‌کنند (CNN, 2017).

۱. تعریف مورد استفاده در آمارهای سازمان ملل، زندگی در کشوری غیر از کشور محل تولد است. از این ۲۴۴ میلیون نفر، ۲۰ میلیون نفر پناهنده هستند.

۲. توجه کنید که نمودار ۱ براساس آمارهای مهاجرت (ورود و خروج) به‌صورت جداگانه و نه براساس نرخ خالص مهاجرت ترسیم شده است. در نتیجه بعضی کشورها (مثلاً آلمان) هم از مهاجرفرست‌ترین کشورها هستند و هم از مهاجرپذیرترین کشورها.

نمودار ۱. بیست کشور اول مهاجر فرست (سمت راست) و مهاجر پذیر (سمت چپ) در

جهان براساس جمعیت متولد خارج از کشور



Source: International Organization for Migration, 2018.

شاید تصور شود که ایرانیان مهاجر زیاد نیستند (در مقام مقایسه با سایر کشورها) ولی مشکل این است که ایرانیانی که برای تحصیل رحل سفر می‌بندند (در مقایسه با دانشجویان مهاجر سایر کشورها) زیادند. اما در این زمینه هم ایران براساس آمار «مؤسسه مشاوره بین‌المللی آموزش و قوانین» در قیاس با کشورهای مشابه وضعیتی حاد ندارد. تعداد دانشجویان بین‌المللی در جهان از ۱/۳ میلیون در سال ۱۹۹۰ به ۵ میلیون نفر

در سال ۲۰۱۴ رسیده است (پژوهشکده مطالعات فناوری، ۱۳۹۵). در آمریکا هم با آنکه بیشترین تعداد دانشجوی خارجی را می‌پذیرد نیز داستان از همین قرار است. به طوری که در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲، تعداد ویزای دانشجویی صادر شده در آمریکا از ۱۱۰,۰۰۰ مورد به ۵۲۴,۰۰۰ رسیده است که از این میان، چین (۲۵٪)، هند (۱۵٪)، کره جنوبی (۱۰٪)، عربستان سعودی (۵٪) و کانادا (۴٪) بیشترین تعداد دانشجوی خارجی را در ایالات متحده دارند. اما با نگاه به جدول ۱، نرخ بازگشت دانشجویان خارجی را در آمریکا نشان می‌دهد که صورت مسئله تا حدودی تغییر می‌کند. به‌رغم اینکه کشور ما از مهاجرپرست‌ترین کشورها محسوب نمی‌شود، اما نرخ بازگشت دانشجویان ایرانی بسیار کم است به طوری که کمتر از ۱۰ درصد از دانشجویان ایرانی از آمریکا باز می‌گردند.<sup>۱</sup> این امر، اهمیت موضوع پژوهش حاضر را نشان می‌دهد که به‌جای پرداختن به دلیل مهاجرت، به‌دلیل عدم بازگشت آنها پرداخته شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، گام نخست مطالعه مشوق‌ها و موانع بازگشت، متخصصان است که سؤال اصلی این پژوهش است.

#### جدول ۱. درصد ماندگاری فارغ‌التحصیلان خارجی دکتری در آمریکا برحسب کشور مبدأ

کشور	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
چین	۹۲	۹۱	۸۹	۸۷	۸۵
هند	۸۹	۸۸	۸۵	۸۳	۸۲
ایران	۹۱	۹۰	۸۹	۹۲	۹۲
ژاپن	۵۳	۵۰	۴۵	۴۳	۳۸
ترکیه	۶۶	۶۳	۵۸	۵۶	۵۶
مصر	۶۵	۵۸	۵۵	۴۸	۴۸
روسیه	۷۳	۷۸	۷۸	۷۴	۷۳

مأخذ: پژوهشکده مطالعات فناوری، ۱۳۹۵.

۱. البته حتی در این مورد هم ارقام مربوط به ایران با کشورهایایی مثل چین و هند قابل مقایسه است.

مطالعه علل و آثار مهاجرت سابقه‌ای طولانی دارد. معمولاً از راونشتاین به‌عنوان کسی یاد می‌شود که بنیان‌گذار مطالعه علمی مهاجرت است (Ravenstein, 1876). بسیاری از مشاهده‌ها و اجزای نظریه او کماکان معتبرند از جمله اینکه بیشتر مهاجران جوان و مجردند، نه خانواده‌ها، یا اینکه جمعیت شهرها بیشتر از اینکه از رشد طبیعی فزونی یابد، در اثر مهاجرت افزایش می‌یابد و اینکه بیشترین میزان مهاجرت در مسافت‌های کوتاه اتفاق می‌افتد. راونشتاین مهاجرت را محصول علل رانشی از مبدأ و علل کششی در مقصد<sup>۱</sup> می‌دانست (Tobler, 1995). بعدها لی<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) بر مبنای مشاهده‌های راونشتاین، نظریه مهاجرت خود را ارائه کرد که به نظریه کششی - رانشی معروف شد. تقسیم عوامل دخیل در مهاجرت به عوامل کششی و رانشی چندان انعطاف‌پذیر است که می‌تواند عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... را در سطوح مختلف فردی و اجتماعی دربرگیرد. در پژوهش حاضر نیز از همین رویکرد برای بررسی مشوق‌ها و موانع بازگشت متخصصان استفاده شده است.

ادبیات علمی مربوط به مهاجرت در رشته‌های مختلف دانشگاهی امروز به حدی از گستردگی رسیده است که حتی ذکر ابعاد مختلف پژوهش‌های این حوزه هم در این نوشته مقدور نیست. پژوهشگران با پشتوانه‌ای از مشرب‌های مختلف فکری به بررسی ابعاد مختلف مهاجرت پرداخته‌اند. تأثیرات مثبت و منفی مهاجرت بر کشورهای مبدأ و مقصد از نظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی گاه در مقیاس جهانی و گاه در مقیاس منطقه‌ای و محلی مطالعه شده‌اند.<sup>۳</sup> در ایران هم پژوهش‌های ارزشمندی در این خصوص انجام شده است که به چند مورد اشاره می‌شود. بلندهمتان و محمدی (۱۳۹۴) به بررسی چرایی خودداری متخصصان دانشگاهی از مهاجرت از کشور می‌پردازند و نظام ارزشی آنان که «میهن‌پرستی آکادمیک» نامش می‌نهند را دلیل اصلی عدم مهاجرت استادان مورد مطالعه می‌یابند. محمدی الموتی (۱۳۸۳) مهاجرت متخصصان را از ایران جزئی از جهانی شدن بازار کار می‌داند. شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی (۱۳۹۳)

---

1. Push and Pull Factors

2. Lee

۳. برای نگاهی به مرور ادبیات این حوزه از دید پژوهشگران رشته‌های مختلف دانشگاهی رجوع کنید به:

Rudolph, 2003; Ceobanu and Escandell, 2010; Fassin, 2011; Castles and Miller, 1993; Hainmueller and Hopkins, 2014; Koopmans, 2013; Hero, 2010.

نشان داده‌اند شاخص‌های نشانگر آزادی‌های اقتصادی، سیاسی و مدنی تأثیر معکوس بر روند مهاجرت دارند. موسوی‌راد و قدسیان (۱۳۹۴) با تحلیلی مبتنی بر شبیه‌سازی به این نتیجه می‌رسند که نه با کاهش تنش در روابط خارجی و نه با بهبود نظام آموزشی نمی‌توان باعث کاهش نرخ خروج متخصصان شد.

در این میان، نزدیک‌ترین کارها به پژوهش پیش‌رو، آنهایی هستند که به مقوله بازگشت یا مهاجرت معکوس<sup>۱</sup> پرداخته‌اند. در یکی از امیدوارکننده‌ترین مطالعات جامع انجام شده، ساکسنیان<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) با بررسی موفقیت چشمگیر صنایع الکترونیکی و کامپیوتری در دره سیلیکون<sup>۳</sup> و مشابه‌سازی‌های موفق آن در بعضی کشورها (یکی از بارزترین مثال‌ها تایوان است)، نشان می‌دهد که اولاً همه این موارد موفقیت پایه در مهاجرت معکوس متخصصانی دارد که هم تجربه کار در شرکت‌های الکترونیکی در دره سیلیکون را داشته‌اند و هم توانسته‌اند از شبکه‌های حرفه‌ای و تجاری‌ای که به آن متصل بوده‌اند بهره ببرند. ثانیاً این مهاجرت معکوس و مشابه‌سازی‌ها نه تنها از قدرت و اهمیت دره سیلیکون نکاسته بلکه برعکس باعث نوعی هم‌افزایی جهانی شده است.

چرا مهاجرت معکوس رخ می‌دهد و چه موانعی بر سر راه آن قرار دارد؟ هرچند در این زمینه هم کارهای خوبی انجام شده، ولی بیشتر رویکرد اقتصادی بر این مطالعات غلبه دارد. کاسارینو<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) با مرور ادبیات وسیع این حوزه دلایل بازگشت را در میان نظریه‌های موجود برمی‌شمرد. از دید نظریه اقتصاد نئوکلاسیک، در مهاجرت غلبه با ادامه مهاجرت است و آنان که بازمی‌گردند شکست خوردگان در مهاجرت هستند. از دید نظریه‌های اقتصادی، کار بازگشت جزئی طبیعی از پروژه مهاجرت است که به دلیل وابستگی به مبدأ انجام می‌شود و ممکن است زمانی رخ دهد که اهداف مهاجر به دست آمده باشد. از دید نظریه پردازان ساختارگرا، بازگشت در چارچوب دوگانه مرکز - حاشیه انجام می‌شود که

1. Return Migration

2. Saxenian

۳. Silicon Valley منطقه‌ای در اطراف خلیج سانفرانسیسکو در کالیفرنیا که از زمان اختراع ترانزیستور تاکنون پیش‌تاز صنایع اطلاعاتی و مخابراتی در جهان بوده است.

4. Cassarino



تأثیری در رابطه میان مرکز و حاشیه نمی‌گذارد و به دلایل شخصی و عاطفی انجام می‌شود. نظریه پردازان فراملی گرایانه نیز معتقدند بازگشت لزوماً دائمی نیست، بر بستری از اوضاع تاریخی و اجتماعی انجام می‌شود؛ روابط خانوادگی نقشی اساسی در بازگشت دارند و وضعیت مکفی اقتصادی برای بازگشت علت معده هستند. از منظر نظریه شبکه‌های اجتماعی، بازگشت جزئی از پروژه مهاجرت است که به دلایل اقتصادی، اجتماعی و سازمانی رخ می‌دهد و در واقع همانند مهاجرت آغازین، بازگشت هم به دلیل وجود شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی ممکن می‌شود و تکمیل‌کننده این شبکه‌هاست.

داستمن و وایس<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه مهاجران بریتانیا بیان می‌کنند که تعداد بسیار زیادی از مهاجران موقتی هستند و در نظر نگرفتن اینکه مهاجرت آنها موقتی است باعث نتایج نادرست در مطالعات می‌شود. یکی از دلایل آنها این است که در نظر نگرفتن طبیعت دائمی یا موقتی مهاجران باعث می‌شود که یکی از عوامل اساسی تفاوت در رفتار آنها نادیده گرفته شود. با بررسی آمار مهاجران در بریتانیا مشاهده می‌کنند که در مورد مهاجران سفیدپوست از زمان مهاجرت تا ۱۰ سال بعد از آن تنها ۴۰ درصد از مهاجران کماکان در بریتانیا حضور دارند در حالی که درباره مهاجران غیرسفیدپوست این عدد ۸۰ درصد است. آنها مدلی ارائه می‌کنند که مصرف در مبدأ برای افراد ترجیح دارد اما درآمد ممکن است در خارج بیشتر باشد. سه نتیجه در این مدل امکان‌پذیر است عدم مهاجرت، مهاجرت دائم یا مهاجرت موقت. در صورتی که مهاجرت رخ دهد، فرد مهاجر می‌ماند تا زمانی که بازگشت بر ماندن ترجیح پیدا کند. دلایل اصلی این بازگشت از نظر آنها یکی ترجیح ذاتی کشور مبدأ است که وقتی ارزش مهاجر بودن در مقابل هزینه‌هایش از حدی کمتر شود، فرد ترجیح می‌دهد باز گردد، دیگری دلایل اقتصادی و قدرت خرید بیشتر در کشور مبدأ است و همچنین سرمایه انسانی افراد در مبدأ ارزش بیشتری دارد. این مورد آخر به‌طور خاص بیشتر به دانشجویان و صاحبان فنون تخصصی مربوط می‌شود.

علیپور، افقی و عباداللهی (۱۳۹۳) با بررسی یک نمونه ۲۵ نفری از ایرانیان خارج از

کشور، علت مهاجرت را کمبود امکانات در داخل و رضایت علمی و شغلی در خارج از کشور می‌یابند. مهم‌ترین نکته مورد توجه در این میان، نبود مطالعات درباره بازگشت است. چه عواملی باعث می‌شود ایرانیانی که برای کار یا تحصیل موقتاً ترک وطن کرده‌اند، بنای اقامت دائم در خارج از کشور برپا کنند یا به وطن باز گردند؟ در ادامه ابتدا نتایج حاصل از مطالعه کیفی و فرضیه‌های به‌دست آمده و پس از آن مطالعه کمی انجام شده ارائه می‌شود.

## ۲. مطالعه کیفی

مطالعه کیفی براساس روش مشاهده مشارکتی در ۹ بحث گروهی درباره بازگشتن و بازنگشتن به ایران در میان ایرانیان مقیم آمریکا در فاصله زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ انجام شده است. در میان جمع‌های ایرانی، به‌خصوص جمعیت دانشجوی، بحث در مورد ایران و سؤال در مورد بازگشت به ایران موضوع مکرر بحث و گفتگو است. دایره بحث گاه بسیار محدود است و به یک حوزه مشخص مربوط می‌شود، مثلاً یک ضعف اداری در ایران، گاه بسیار گسترده است و از مسائل اخلاقی و حقوقی تا مسائل اقتصادی را هم‌زمان دربرمی‌گیرد. در خلال صحبت‌های رد و بدل شده، به نظم‌ها و الگوها در مواضع اتخاذ شده توجه می‌شود. در ادامه مسائلی که به‌تکرار در صحبت‌ها آمده است به‌صورت نقل قول‌های کوتاه آورده شده‌اند.

بنابراین پیش از شروع بحث، لازم است مفاهیم با دقت بیشتری تعریف شوند. برای این بحث، هر فرد دارای مدرک دانشگاهی بالاتر از کارشناسی، متخصص دانسته شده است. این تصمیم از یکسو به‌دلیل سهولت اتخاذ شده و از سوی دیگر به هر صورتی که مفهوم متخصص را تعریف کنیم، با این تعریف کاربردی (براساس مدرک) دارای همبستگی بالایی خواهد بود. اقامت خارج از کشور هم به‌صورت حضور دائم حداقل یک سال گذشته در خارج از ایران تعریف شده است.

## ۱-۲. اقتصاد و کیفیت زندگی

یکی از دلایل پررنگ در مباحث تصمیم به بازگشت، دلایل اقتصادی است، اما نکته جالب توجه این است که دلایل اقتصادی را عمدتاً کسانی مطرح می‌کنند که به‌طور جدی به

بازگشت فکر می‌کنند. مثلاً یک دانشجوی دکتری پس از سه سال حضور در خارج از ایران می‌گوید «حقوق هیئت علمی در تهران کفاف زندگی را نمی‌دهد. من از دوستان که می‌پرسم همه بیرون دانشگاه هم یک کار خوب دارند. خانه هم که اصلاً امکان خریدش وجود ندارد». اما کسانی که مدت طولانی در خارج از کشور حضور داشته‌اند و مسئله بازگشت به‌عنوان یک دغدغه واقعی برایشان وجود ندارد، نوعاً کمتر به مسائل اقتصادی اشاره می‌کنند. برای کسانی که تجربه بازگشت ناموفق به ایران را دارند نیز مسئله اقتصاد و به‌خصوص مسکن مسئله‌ای جدی است: «من و خانمم بعد از فارغ‌التحصیلی برگشتیم ایران ولی نتوانستیم دوام بیاوریم. خیلی فرق هست بین محیط کار اینجا و ایران... ولی بزرگ‌ترین مشکل برای ما این بود که توی تهران خانه نداشتیم. واقعاً کسی که خانه ندارد نمی‌تواند برگردد. من از وقتی دوباره برگشتم آمریکا به دوستانم می‌گویم که اگر پدر پولدار ندارید، ایران برنگردید، یا اگر برمی‌گردید، بروید شهرستان».

نکته بارز دیگر در سخنان کسانی که به تصمیم بازگشت دارند، مسائل مربوط به کیفیت زندگی است که به‌طور کلی از دو سنخند: مسائل زیست‌محیطی و مجموعه‌ای به‌هم‌تنیده از مسائل اداری، اجتماعی، سیاسی. مثلاً کسی که در شرف فارغ‌التحصیلی در تعطیلات کریسمس به ایران آمده تا فضای شغلی را ارزیابی کند می‌گوید: «من واقعاً چه توجیهی دارم که دست خانواده‌ام را بگیرم بپریم در آن هوای آلوده. من وقتی تهران هستم به‌خاطر آلودگی بچه‌ام را پارک نمی‌توانم ببرم. حتی مدارس شهر به‌خاطر آلودگی تعطیل می‌شود. من واقعاً انگیزه‌ای ندارم که به جمعیت این شهر اضافه کنم». به همین ترتیب، تأثیر منفی مسائل اجتماعی هم به‌طور پررنگی در سخنان ایرانیان مقیم خارج از کشور به چشم می‌خورد. دانشجویان معمولاً قبل از مهاجرت درگیر دریافت تأییدیه‌های مجوز خروج از کشور هستند و به‌نوعی این آخرین تجربه تلخ آنها از سیستم اداری ایران در مقایسه با تجربه زندگی در کشور مقصد تا مدت‌ها در ذهن و بیانشان وجود دارد. به همین ترتیب، ایرانیان خارج از کشور از «فضول» بودن مردم ایران، نفوذ سیاست (به معنای یارکشی جناحی) در همه فعالیت‌ها، خودبرتربینی قشر مرفه، فرهنگ رانندگی و سایر مثال‌ها از امور روزمره زندگی ذکر می‌کنند و این امور را نشانه‌ای از سخت بودن بازگشت به ایران می‌دانند.

آنچه در این مسائل مهم است، دید مقایسه‌گر افرادی است که بیرون کشور زندگی می‌کنند. مثلاً یکی از افراد که مدتی طولانی بیرون از ایران زندگی کرده بود به دیگران می‌گفت: «اول از ایران می‌آیی، می‌بینی اینجا هم بهشت نیست. ولی بعد که به ایران می‌روی، می‌فهمی که ایران دیگر برایت قابل تحمل نیست. چیزهایی که قبلاً شاید حتی به آنها توجه هم نمی‌کردی را می‌بینی که چه اندازه برایت زندگی در ایران را دردآور می‌کنند».

علاوه بر نگاه مقایسه‌ای، آنچه در تصمیم‌گیری افراد مهم است واقعیت نیست، بلکه درک آنها از واقعیت است. زاویه دید و تجربه شخصی افراد در مسائل مربوط به کیفیت زندگی بسیار حائز اهمیت است و به همین دلیل باید توجه خاصی شود که این مسائل از دید ایرانی خارج از کشور دیده شود. مثلاً کسی که سال‌ها در ایران زندگی کرده از آلودگی هوا یا کاغذبازی اداری در ایران حتماً مطلع است، ولی شاید اینها را علتی برای کوچ از ایران نداند، حال آنکه کسی که از بیرون ایران به بازگشت می‌اندیشد، ممکن است به همین دلایل عطای بازگشت را به لقایش ببخشد. برای اینکه این تفاوت نگاه بهتر آشکار شود، می‌توان مثالی ذکر کرد از توصیه یکی از ایرانیان خارج از کشور (که بیش از ۳۰ سال در آمریکا اقامت داشته است) به دوستانش برای مسافرت کوتاه‌مدت به ایران: «ایران آلودگی زیاد است. حتماً مراقب باشید که به بچه‌ها آب شهری ندهید؛ فقط آب معدنی بدهید. همه دوستان ما که ایران سر می‌زنند بچه‌هایشان مریض می‌شوند. یک دلیلش آب است. خیلی مراقب بچه‌ها باشید». این سخنان که بیشتر به‌نوعی فوبیا شبیه است تا درک واقعی از ایران امروز، از این خبر می‌دهد که گوینده سخن هرچند به‌ظاهر به ایران رفت و آمد دارد ولی در واقع تصویرش از ایران غیرواقعی است، چه اینکه اگر همین سخنان به انگلیسی بیان می‌شد، نمی‌توانست فهمید که گوینده کلام اصالتاً ایرانی است یا خیر، چون در آلوده دانستن ایران ظاهراً فرقی بین ایران و یک کشور عقب‌افتاده قائل نیست.

از کلامی که نقل شد، علاوه بر نوعی فوبیا از بهداشت در ایران، تأکید بر فرزندان هم به چشم می‌خورد که در کلام بسیاری از افراد دیگر هم وجود داشته است. این نکته که «ما به‌خاطر بچه‌ها تصمیم بگیریم برنگردیم». از زبان یادگرفتن کودکان تا فارسی بلد نبودن آنها، تا کنکور برای ورود دانشگاه و دلایلی از این‌سخت در سخن افراد مکرر شنیده می‌شود، مانند

پزشکی که کمتر از یک سال بود از ایران خارج شده بود و از اوضاع ناراضی بود و می گفت: «ما به خاطر این از ایران آمدیم که بچه‌ها سختی‌هایی که ما کشیدیم را تجربه نکنند. من و خانمم از لحاظ کاری وضعمان در ایران خیلی خوب بود». یا شخص دیگری که می گفت: «بچه‌ای که اینجا بزرگ شده نمی تواند ایران زندگی کند».

## ۲-۲. دلایل شخصی، خانوادگی، ملی

یکی دیگر از مهم ترین دلایل برای بازگشت به ایران، مسائل شخصی و خانوادگی است: «من مطمئنم که می‌خواهم برگردم. ولی هیچ توهمی نسبت به وضعیت در ایران ندارم. می‌دانم که من هم مثل بقیه کسانی که به ایران بازگشتند نمی‌توانم آنجا را متحول کنم. می‌دانم که نمی‌توانم کار خاصی بکنم. این حرف‌ها هم که ما مدیون ایران هستیم اینها هم نیست. دلیل اصلیم برای برگشتن پدر و مادرم هستند. من خیلی از آنها دور بوده‌ام. حالا که به من احتیاج دارند می‌خواهم کنارشان باشم». این فرد مانند بسیاری دیگر از ایرانیانی که به بازگشت می‌اندیشند، به صراحت دلایل خانوادگی را عامل بازگشت خود می‌داند. دلایل خانوادگی را حتی در سخن آنها که نیت بازگشت ندارند هم می‌توان یافت: «تا پیش از فوت مادرم، منتظر بودیم که یک فرصتی پیش بیاید که بکنیم از اینجا و برگردیم ایران. ولی الآن واقعاً انگیزه‌ای برایمان نمانده است. نه من و نه خانمم کسی به آن معنا نداریم ایران. خواهر و برادرها نصفشان ایرانند نصف دیگر همین جا هستند».

علاوه بر این دلایل، این نکته که ایران وطن ماست در همه مباحث مربوط به مهاجرت یا بازگشت مطرح می‌شود. بحث وطن معمولاً دو شکل دارد: گاهی به معنای وظیفه (یا دین) نسبت به ایران مطرح می‌شود مانند «اگر همه متخصصان با یأس پای خودشان را بیرون بکشند، چطور می‌شود انتظار بهبود داشت؟». این معنای از وطن حتی وقتی به صراحت در بحث نیاید، در واقع به قرینه‌ای محذوف است، مثلاً کسی که می‌گوید «من از اینجا بهتر می‌توانم به ایران خدمت کنم». درحقیقت دارد به سؤالی محذوف در مورد وظیفه یا دین نسبت به ایران سخن می‌گوید. گاهی نیز وطن به معنای جایی مطرح می‌شود که خود انسان در آن احساس بهتری دارد. مانند «اینجا هر کاری بکنی خارجی

هستی». یا اینکه «آخرش کار یک روزی تمام می‌شود. دوست داری دوران پیری را اینجا بگذرانی یا توی ایران؟».

دلایل مذهبی در هر دو روی سکه خود را نشان می‌دهند. بعضی نگرانی از تربیت مذهبی فرزندان را به‌عنوان دلیلی برای بازگشتن به ایران ذکر می‌کنند که با یافتن «مدرسه اسلامی خوب» در کشور محل اقامتشان، دیگر دلیلی برای بازگشت به ایران ندارند. بعضی هم در مقابل، تنگ‌نظری مذهبی و ریاکاری افراد را دلیلی برای عدم بازگشت ذکر می‌کنند. در میان صحبت‌های ردوبدل شده، از خود دین یا دینداری افراد، یا حتی امری مانند حجاب به‌صراحت دلیلی برای عدم بازگشت یاد نشد، بلکه از آفت‌های اجتماعی و سیاسی (به‌خصوص ریاکاری و ریاکارپروری) به‌عنوان دلایل منفی و مایوس‌کننده صحبت به میان آمد.

### ۲-۳. مرور زمان

نکته دیگر که باید به آن اشاره کرد این است که در بیشتر موارد گویا بازه‌ای از زمان وجود دارد که اگر در آن بازه بازگشت اتفاق نیفتد، عملاً بازگشت ممکن نیست، هرچند فرد تمایل به بازگشت داشته باشد. یک دلیل این مشاهده انتخاب است: درواقع، آنها که بازگشتی هستند، بازمی‌گردند و آنها که می‌مانند، بازگشتی نیستند و در نتیجه بازنگشتن آنها با مرور زمان طولانی‌تر نباید تعجب‌آور باشد. اما دلیل دیگری هم در میان است: بازگشت با گذشت زمان دشوارتر می‌شود. یکی از افراد آدم‌ها را با درخت مقایسه کرد: «نهال را راحت می‌شود جابه‌جا کرد، اما واقعاً از درختی که ریشه کرده، چه انتظاری می‌توان داشت؟». شبیه این سخن به گونه‌ای دیگر هم بیان شد: «ما همیشه نیتمان این بوده که یک روز به ایران برگردیم. مشکل این است که هیچ‌وقت آن روز نیامده». به همین ترتیب شخص دیگری از تجربه شخصی‌اش می‌گوید: «ما چهار بار در این ۲۰-۳۰ سال گذشته تصمیم جدی به برگشتن گرفته‌ایم. هر بار یک اتفاقی افتاده که نشده برگردیم. اگر می‌خواهید برگردید، زود برگردید، اگر نه همین‌جا می‌مانید تا روزی که ببینید به ایران برگشتن صرفاً یک آرزوی نشدنی است».

#### ۴-۲. فرضیه‌ها

با عنایت به مشاهدات کیفی، فرضیه‌های زیر در مورد ایرانیان خارج از کشور مطرح می‌شود:

**فرضیه اول:** دلایل شخصی و میهنی بیشترین تأثیر در بازگشتن متخصصان به کشور دارند.

**فرضیه دوم:** دلایل مربوط به کیفیت زندگی نقش پررنگ در عدم بازگشت متخصصان دارد.

**فرضیه سوم:** مستقل از موانعی که در بازگشت ممکن است وجود داشته باشد، متخصصان تمایل به کمک به بهبود اوضاع اقتصادی و علمی داخل ایران دارند.

**فرضیه چهارم:** با طولانی شدن زمان اقامت خارج از کشور، موانع اقتصادی نقش کم‌رنگ‌تر و سایر موانع بازگشت نقش پررنگ‌تری دارند و به‌طور کلی احتمال بازگشت کاهش می‌یابد.

#### ۳. تحلیل کمی داده‌ها و بررسی فرضیه‌ها

##### ۳-۱. داده‌ها

آل یاسین و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از داده‌های نظرسنجی آماری از ایرانیان مقیم خارج از کشور در پاییز سال ۱۳۹۳ در این زمینه به مطالعه از لحاظ کمی پرداختند. جمعیت هدف، ایرانیان تحصیل کرده یا در حال تحصیل در خارج از کشور بودند. نظرسنجی مشتمل بر سؤال‌های عمومی، موانع بازگشت، انگیزه‌های بازگشت و در مورد تصمیم به بازگشتن بود که به‌صورت آنلاین برگزار شد و دعوت از آنها با استفاده از شبکه‌های اجتماعی بود که پرسش‌های این نظرسنجی در پیوست آورده شده‌اند.

نظرسنجی مذکور برای پژوهش پیش‌رو طراحی نشده بود و همه سؤال‌های مورد نظر بحث حاضر را نمی‌پوشاند، اما سؤال‌های آن تا حد خوبی برای داوری در مورد فرضیه‌های مطرح شده در اینجا مورد استفاده قرار گرفت. ضعف اصلی این نظرسنجی این است که روی یک نمونه آماری تصادفی از جمعیت هدف انجام نشده است. این امر باعث می‌شود که اطمینان از نتایج این پژوهش نداشته باشیم که تا چه اندازه تعمیم‌پذیر به جمعیت هدف است. با این وجود، نظرسنجی از یک نمونه ایدئال برای چنین پژوهشی با توجه به گستردگی جمعیت هدف و همچنین نبود دسترسی به ایشان تقریباً از لحاظ عملی غیرممکن است. علاوه بر این، به دلیل تلاش برگزارکنندگان نظرسنجی و همه‌گیر بودن ابزارهای ارتباطی

مدرن در جمع اقشار تحصیل کرده و در حال تحصیل در خارج از کشور، می‌توان ادعا کرد که به احتمال قوی بین افرادی که دعوت به شرکت در نظرسنجی را دریافت کرده‌اند و آنها که این دعوت را دریافت نکرده‌اند تفاوت معناداری از حیث متغیرهای مورد بررسی وجود ندارد. بیشترین عاملی که احتمال دارد باعث اریبی (بایاس) یافته‌ها شود، همبستگی بین شرکت کردن یا نکردن در نظرسنجی و متغیرهای مورد مطالعه باشد. دور از انتظار نیست که افرادی با درجه بالاتری از دل‌بستگی به ایران و مسائل مربوط به رشد ایران احتمال شرکتشان بیشتر از دیگران باشد. سه نکته برای کاستن از نگرانی‌های روشی درباره داده‌های مورد استفاده قابل تأمل است: اول اینکه آنچه وجهه نظر این تحقیق است، رابطه بین متغیرهاست و نه بیان نسبت پاسخ‌های مختلف در نمونه و می‌توان خوشبین بود که رابطه بین متغیرهای مختلف در این نمونه دچار اریبی چندان نشده است. دوم اینکه این داده‌ها با فاصله زیادی خیرالموجودین هستند. در پژوهش‌های انجام شده درباره مهاجرت ایرانیان از داده‌هایی استفاده شده است که هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی بسیار ضعیف‌تر از داده‌های پژوهش حاضر هستند. نکته سوم اینکه مشکل عدم پاسخ در نظرسنجی‌های با نمونه تصادفی هم وجود دارد و این انتقاد به بیشتر تحلیل‌های مبتنی بر نظرسنجی وارد است.

در نظرسنجی آل یاسین و همکاران (۱۳۹۳) بیش از ۴۰۰۰ نفر شرکت کرده‌اند؛ نتایج تحلیل اولیه این پیمایش به صورت آنلاین در دسترس همگان قرار گرفته است<sup>۱</sup> که به دلیل صرفه‌جویی در متن، برای جزئیات در مورد توزیع متغیرهای اندازه‌گیری شده و اطلاعات بیشتر در مورد نظرسنجی به وبسایت مربوط ارجاع داده می‌شود. برای مطالعه حاضر، از میان افراد، صرفاً کسانی انتخاب شدند که مدرک بالاتر از کارشناسی دارند، در زمان پاسخ در آمریکا اقامت داشته‌اند و حداقل یک سال را خارج از کشور سپری کرده بودند؛ به این ترتیب ۱۵۰۴ نفر باقی می‌مانند. در اینجا ابتدا به انعکاس تقاطع دو متغیر مورد نیاز اشاره می‌شود (جدول ۲): تمایل به کمک (تمایل به کمک برای پیشرفت ایران در صورت اقامت در خارج از کشور) و اندیشه عدم بازگشت (اندیشیدن به طور جدی به بازگشت به ایران).



در میان همه ایرانیان، کسانی که تمایل به کمک دارند بیشتر از آنهایی هستند که این تمایل را ندارند و این امر را می‌توان در مقایسه با تعداد افراد در ستون اول و دوم متوجه شد. مثلاً حتی از میان ایرانیانی که اساساً به بازگشت به ایران نمی‌اندیشند، ۳۷۸ نفر تمایل دارند به ایران کمک کنند در حالی که فقط ۱۴۲ نفر به این کار تمایل ندارند. البته جالب است که در میان ایرانیانی که برای کمک به ایران تمایلی ندارند، بیشتر افراد به بازگشت به ایران نمی‌اندیشند.

### جدول ۲. تقاطع تمایل به بازگشت و اندیشه عدم بازگشت

در صورت حضور در خارج از ایران، آیا علاقه‌مند هستید در فعالیت‌هایی مرتبط با ایران همکاری داشته باشید؟			آیا به برگشتن به ایران به‌طور جدی فکر می‌کنید؟
مجموع	خیر	بله	
۸۵	۱۶	۶۹	۱-بله، در یک تا دو سال آینده
%۵/۶۵	%۵/۹۵	%۵/۵۹	
۱۹۶	۲۲	۱۷۴	۲-بله، در سه تا پنج سال آینده
%۱۳/۰۳	%۸/۱۸	%۱۴/۰۹	
۷۰۳	۸۹	۶۱۴	۳-بله، ولی برنامه مشخصی ندارم
%۴۶/۷۴	%۳۳/۰۹	%۴۹/۷۲	
۵۲۰	۱۴۲	۳۷۸	۴-خیر
%۳۴/۵۷	%۵۲/۷۹	%۳۰/۶۱	
۱,۵۰۴	۲۶۹	۱,۲۳۵	مجموع

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

### ۳-۲. تحلیل عاملی

گام اول در تحلیل کمی داده‌های این پژوهش، تحلیل عاملی مشوقها و موانع بازگشت است. در میان سؤال‌های این پیمایش، ۳۶ سؤال به این مقوله اشاره داشتند. تحلیل عاملی این ۳۶ سؤال ۶ عامل با مقدار ویژه بیش از ۱ به دست می‌دهند. در تحلیل عاملی اکتشافی انتخاب تعداد عوامل براساس معنای به دست آمده از عوامل است و بررسی عوامل نشان می‌دهد

که این ۶ عامل به خوبی معنا دارند. بنابراین در مطالعات ۶ عامل حفظ شدند. تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش بیشینه‌سازی احتمالاتی<sup>۱</sup> و چرخش عوامل با الگوریتم کوآرتیمین<sup>۲</sup> که الگوریتم چرخش اریب است انجام شده است.

جدول ۳ بارگیری عوامل را پس از چرخش نشان می‌دهد. عوامل ۱ تا ۶ را به ترتیب می‌توان به صورت زیر تعبیر کرد:

۱. کیفیت زندگی پایین‌تر در ایران برای خود و فرزندان و مشکلات اجتماعی و سیاسی در ایران (کیفیت زندگی)،

۲. جذابیت‌های شخصی، خانوادگی، مذهبی و میهنی در ایران (بازگشت به میهن)،

۳. احساس وظیفه و وامداری نسبت به ایران (احساس وظیفه)،

۴. قدرت تأثیرگذاری بیشتر در ایران (تأثیرگذاری)،

۵. کیفیت پایین‌تر کارهای تحقیقاتی در ایران (کیفیت پژوهش)،

۶. مشکلات اقتصادی بازگشت به ایران (مشکلات اقتصادی).

به وضوح، موارد ۱، ۵ و ۶ از موانع و موارد ۲، ۳ و ۴ از مشوق‌های بازگشت هستند. جدول ۴ همبستگی بین این عوامل را نشان می‌دهد؛ به دلیل اینکه از یک چرخش اریب استفاده شده تا تفسیر عوامل آسان‌تر باشد، عوامل استخراج شده بر یکدیگر عمود نیستند. توجه کنید که این متغیرها از دید پاسخ‌دهندگان هستند؛ مثلاً یک فرد ممکن است احساس وظیفه و وامداری زیادی نسبت به ایران داشته باشد و دیگری برخلاف او چنین احساسی نداشته باشد؛ یا مثلاً یک فرد ممکن است فکر کند کیفیت پژوهش در ایران پایین است و فرد دیگری ممکن است فکر کند که کیفیت پژوهش در ایران خوب است. آنچه در ادامه مطالعه می‌شود تأثیر این متغیرهای ذهنی بر احتمال بازگشت و اندیشیدن به بازگشت به ایران است.

1. Maximum Likelihood  
2. Quartimin

مشوق‌ها و موانع بازگشت به کشور: بررسی موردی متخصصان مقیم ایالات متحده آمریکا — ۳۰۷

جدول ۳. بازگیری عوامل پس از چرخش (عامل‌های ۱، ۵ و ۶ موانع ۲، ۳ و ۴ مشوق‌های بازگشت)

متغیر	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶	یکتایی
درآمد پایین						۰/۷۵	۰/۴۶
مسکن						۰/۶۵	۰/۵۸
شغل						۰/۴۵	۰/۷۱
تناسب تخصص					۰/۴۳		۰/۷۰
شبکه همکاران					۰/۳۶	۰/۳۳	۰/۷۲
محیط کار	۰/۴۱						۰/۶۴
امکان تحقیقات					۰/۴۸		۰/۶۴
شغل آکادمیک							۰/۸۰
نبودن دوست در ایران							۰/۸۱
کیفیت زندگی	۰/۳۷						۰/۷۲
فرصت‌ها برای فرزندان	۰/۴۷						۰/۵۸
سربازی							۰/۹۴
مشکلات اجتماعی	۰/۶۸						۰/۴۵
عدم ثبات سیاسی	۰/۶۱						۰/۵۲
اینترنت بد	۰/۵۵						۰/۵۵
کمبود تحقیقات در صنایع					۰/۴۷		۰/۶۸
ارتباطات آکادمیک					۰/۶۲		۰/۵۳
عدم ثبات کسب و کار	۰/۳۲				۰/۲۹		۰/۷۵
کیفیت پایین تحقیقات					۰/۵۵		۰/۶۲
تحریم‌ها	۰/۳۹						۰/۶۹
تبعیض جنسیتی	۰/۷۴						۰/۴۸
عقب افتادن					۰/۳۱		۰/۷۱
تأثیرگذاری بیشتر			۰/۶۱				۰/۵۹
بیرون‌خارجی‌ام			۰/۵۴				۰/۶۴
وظیفه			۰/۷۱				۰/۳۷
احساس دین			۰/۸۳				۰/۲۹
اختلاف فرهنگی		۰/۵۸					۰/۴۲
وطن		۰/۸۲					۰/۳۳
مشکلات سیاسی خارج							۰/۴۸
قدرت تأثیر در ایران							۰/۴۷
موثر در ایران							۰/۴۶
خانواده							۰/۴۵
مسائل مذهبی							۰/۴۴
دوستان بهتر							۰/۴۳
محیط بهتر							۰/۴۳
میان‌نسالی در خارج							۰/۴۲

توضیح: مکان‌های خالی نشان‌دهنده وزن‌های با قدر کوچک‌تر از ۰/۳ است.  
مأخذ: همان.

جدول ۴. همبستگی بین عوامل استخراج شده از مشوق‌ها و موانع بازگشت به ایران

مشکلات اقتصادی	کیفیت پژوهش	تأثیر گذاری	احساس وظیفه	بازگشت به میهن	کیفیت زندگی	
					۱/۰۰	کیفیت زندگی
				۱/۰۰	-۰/۴۶	بازگشت به میهن
			۱/۰۰	۰/۵۰	-۰/۴۱	احساس وظیفه
		۱/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۴۱	تأثیر گذاری
	۱/۰۰	-۰/۰۷	۰/۵۳	۰/۵۳	-۰/۳۰	کیفیت پژوهش
۱/۰۰	-۰/۱۲	۰/۳۸	-۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۲۳	مشکلات اقتصادی

مأخذ: همان.

### ۳-۳. دلایل بازگشتن و بازنگشتن

گام بعدی بررسی این است که کدام یک از ۶ عامل استخراج شده با دو متغیر وابسته مورد نظر، تصمیم پاسخ‌دهندگان به بازگشت و تمایل آنها به همکاری برای پیشرفت ایران، همبستگی دارند. ابتدا سنجش تصمیم به بازگشت از طریق دو سؤال بررسی شده است:

اول، احتمال بازگشت (احتمال بازگشت به ایران ظرف پنج سال آینده چقدر است، از ۱ تا ۱۰ انتخاب کنید). این متغیر روی بازه صفر تا یک تصویر شده است. دوم، اندیشه عدم بازگشت (اندیشیدن به بازگشت یا عدم بازگشت به ایران). این متغیر از یک تا چهار است. توجه کنید که مقادیر بالاتر نشانگر عدم بازگشت هستند (چهار نشان‌دهنده نیندیشیدن به بازگشت است).

جدول ۵ نشان‌دهنده رابطه بین مشوق‌ها و موانع استخراج شده از تحلیل عاملی به‌عنوان متغیرهای مستقل و دو متغیر وابسته فوق است. علاوه بر عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی مشوق‌ها و موانع بازگشت، متغیر دیگری نیز در جمع متغیرهای مستقل قرار گرفته که دغدغه کمک به پیشرفت ایران است که به صورت یک سؤال بلی/خیر پرسیده شده است. ستون‌های اول و دوم به احتمال بازگشت (به‌عنوان متغیر وابسته) می‌پردازند. اولین مدل، رگرسیون کسری

با تابع پیوند لجستیکی است که مناسب متغیر وابسته در اینجاست (چون احتمال بازگشت بین صفر و یک محدود است) و دومین مدل رگرسیون خطی کمترین مربعات<sup>۱</sup> است. به همین ترتیب، ستون‌های سوم و چهارم به اندیشه عدم بازگشت (به‌عنوان متغیر وابسته) می‌پردازد، که ستون سوم یک مدل رگرسیون لجیت ترتیبی<sup>۲</sup> است و ستون چهارم مدل رگرسیون خطی کمترین مربعات است. دلیل استفاده از رگرسیون لجیت ترتیبی این است که متغیر وابسته مورد استفاده با مقیاسی ترتیبی سنجیده شده و متریک نیست. درعین حال، محدود بودن یا متریک نبودن متغیرهای وابسته در بسیاری از کاربردهای عملی نادیده گرفته می‌شود و به دلیل سادگی تعبیر نتایج، از مدل‌های خطی استفاده می‌شود؛ در اینجا نیز نتایج رگرسیون خطی به همین دلایل منعکس شده‌اند. مدل رگرسیون خطی به صورت زیر قابل بیان است:

$$y = \beta_0 + \beta_1 D + \beta_2 F_1 + \dots + \beta_7 F_6 + \varepsilon$$

که  $y$  نشان‌دهنده متغیر وابسته،  $D$  نشان‌دهنده دغدغه پیشرفت و  $F_1$  تا  $F_6$  نشان‌دهنده عوامل شش‌گانه مستخرج از تحلیل عاملی هستند. خطای استاندارد هر ضریب در زیر آن ذکر شده و میزان معنای آماری ضرایب با ستاره نشان داده شده به طوری که یک ستاره نشان‌دهنده معناداری آماری در حد  $p=0.05$  است. نکته دیگر این است که عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی، همگی انحراف معیار ۱ دارند و از این جهت با هم قابل قیاس هستند. نتایج حاصله فرضیه‌های اول و دوم را تأیید می‌کنند.

نتیجه هر چهار رگرسیون بیانگر این است که عامل کیفیت زندگی اصلی‌ترین مانع و عامل بازگشت به میهن اصلی‌ترین مشوق در بازگشت هستند. تغییر عامل کیفیت زندگی به اندازه یک انحراف معیار، با کاهش احتمال بازگشت به اندازه ۸ درصد همراه است و تغییر عامل بازگشت به میهن به اندازه یک انحراف معیار، با افزایش احتمال بازگشت به اندازه ۶ درصد همراه است (طبق ستون دوم جدول ۵).

1. Ordinary Least Squares  
2. Ordinal Logit

جدول ۵. عوامل مؤثر در تصمیم به بازگشت

عوامل	۱	۲	۳	۴
	احتمال بازگشت	احتمال بازگشت	اندیشه عدم بازگشت	اندیشه عدم بازگشت
دغدغه کمک به پیشرفت	۰/۰۱۲	-۰/۰۰۸	°-۰/۳۵۸	-۰/۰۴۵
	(۰/۰۹)	(۰/۰۱)	(۰/۱۵)	(۰/۰۵)
کیفیت زندگی	***-۰/۳۵۶	***-۰/۰۸۳	***۰/۶۱۹	***۰/۲۲۵
	(۰/۰۵)	(۰/۰۱)	(۰/۰۱)	(۰/۰۲)
بازگشت به میهن	***-۰/۴۳۳	***۰/۰۶۳	***-۰/۸۴۷	***-۰/۲۲۸
	(۰/۰۵)	(۰/۰۱)	(۰/۰۹)	(۰/۰۳)
احساس وظیفه	***۰/۲۹۴	***۰/۰۴۸	**۰/۲۴۲	**۰/۰۷۴
	(۰/۰۵)	(۰/۰۱)	(۰/۰۹)	(۰/۰۳)
تأثیر گذاری	***۰/۲۷۰	***۰/۰۴۴	***-۰/۵۵۲	***-۰/۱۵۷
	(۰/۰۵)	(۰/۰۱)	(۰/۰۹)	(۰/۰۳)
کیفیت پژوهش	**۰/۱۱۳	-۰/۰۱۱	°۰/۱۷۲	°۰/۰۴۸
	(۰/۰۴)	(۰/۰۱)	(۰/۰۷)	(۰/۰۲)
مشکلات اقتصادی	-۰/۰۷۵	**۰/۰۱۵	°۰/۱۲۳	°۰/۰۵۲
	(۰/۰۴)	(۰/۰۱)	(۰/۰۷)	(۰/۰۲)
ثابت	***-۱/۱۷۸	***۰/۲۸۰	***۳/۱۳۳	***۳/۱۳۳
	(۰/۰۸)	(۰/۰۱)	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)
N	۱۳۳۷	۱۳۳۷	۱۳۵۹	۱۳۵۹
Log likelihood	-۶۸۱/۵	۲۳۶	-۱۱۸۷/۳	-۱۳۳۷/۲
R <sup>2</sup>		۰/۴۱۶		۰/۳۸۵

توضیح: خطای استاندارد هر تخمین زیرش در پرانتز آمده است.

\*  $p < 0/05$

\*\*  $p < 0/01$

\*\*\*  $p < 0/001$ : معناداری آماری با ستاره نشان داده شده است.

مدل ۱ رگرسیون کسری با تابع پیوند لجستیک، مدل ۳ لجستیک مراتبی (ordinal logit) و مدل‌های ۲ و ۴ OLS هستند.

توجه کنید که متغیر وابسته در ستون‌های ۱ و ۲ احتمال بازگشت در پنج سال آینده است ولی در ستون‌های ۳ و ۴ هرچه بزرگ‌تر باشد معنایش عدم تمایل به بازگشت است؛ به همین دلیل انتظار می‌رود علامت ضرایب در ستون‌های ۱ و ۲ مخالف ستون‌های ۳ و ۴ باشد.

مأخذ: همان.

عوامل احساس وظیفه، تأثیر گذاری و مشکلات اقتصادی هم مانند انتظار (دو عامل اول مشوق و عامل سوم مانع بازگشت) در بازگشت مؤثر هستند و از لحاظ آماری معنا دارند، هر چند وزن تأثیر آنها کمتر است. تغییر به اندازه یک انحراف معیار در هر کدام از این سه عامل به ترتیب با تغییر به اندازه ۴/۸ درصد (در اثر تغییر احساس وظیفه)، ۴/۴ درصد (در اثر تغییر تأثیر گذاری) و ۱/۵ درصد (در اثر تغییر مشکلات اقتصادی) در احتمال بازگشت همراه است. از میان عامل‌ها، دو عامل، کیفیت پژوهش (به معنای پایین بودن کیفیت و اهمیت پژوهش در ایران) و مشکلات اقتصادی هم ضرایب کوچک‌تری دارند و هم معناداری آماری آنها به مدل مورد استفاده بستگی دارد. مشاهده دیگر در مورد نتایج جدول ۵ این است که متغیر دغدغه کمک به پیشرفت، چندان اهمیتی ندارد. این متغیر صرفاً در مدل سوم از لحاظ آماری معنادار است که در آنجا نیز در قیاس با عوامل استخراج شده از وزن زیادی برخوردار نیست هر چند علامت جبری آن در جهت مورد انتظار (یعنی منفی) است؛ افزایش دغدغه با کاهش اندیشه در مورد عدم بازگشت همبسته است. برای تعبیر آن می‌توان از نسبت بخت تجمیعی<sup>۱</sup> استفاده کرد: افزایش متغیر دغدغه کمک به پیشرفت از صفر به یک، باعث کاهش نسبت بخت تجمیعی به اندازه ۳۰ درصد می‌شود  $\exp(0.358) = 0.7$ . به‌طور کلی نتایج مؤید فرضیه‌های اول و دوم هستند. گام بعدی بررسی رابطه عوامل استخراج شده و متغیر وابسته دیگر در این مطالعه، تمایل به کمک از خارج است. سؤالی که در نظرسنجی پرسیده شده به صورت بله/خیر بوده است: «در صورت حضور در خارج از ایران، آیا علاقه‌مند هستید در فعالیت‌هایی مرتبط با ایران همکاری داشته باشید؟» به همین دلیل از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتیجه در جدول ۶ آمده است. نتایج مطالعه عوامل مؤثر در تمایل کمک از خارج از کشور (جدول ۶) این است که به‌جز عامل احساس وظیفه، هیچ‌یک از عوامل دیگر به سطح معمول معناداری آماری نمی‌رسد. به‌عبارت‌دیگر، به‌جز عامل احساس وظیفه که تأثیر نسبتاً بزرگی بر تمایل به همکاری از خارج از ایران دارد، سایر مشوق‌ها و موانع تأثیری بر تمایل به کمک در صورت اقامت در خارج از کشور ندارند. این امر تأییدکننده فرضیه سوم است. میزان تأثیر عامل احساس وظیفه را می‌توان براساس نسبت بخت<sup>۲</sup> این‌گونه بیان کرد که افزایش این عامل به

1. Proportional Odds Ratio  
2. Odds Ratio

اندازه یک انحراف معیار، باعث افزایش نسبت بخت تمایل به کمک به اندازه ۵۴ درصد می‌شود  $\exp(0.432) = 1.54$ . این نتیجه خلاف انتظار نیست، چون طبعاً هرچه احساس وظیفه نسبت به ایران بیشتر باشد، فرد تمایل دارد حتی در صورت عدم امکان بازگشت نیز در جهت اعتلای ایران کاری انجام دهد. همچنین پایین دانستن کیفیت پژوهش در ایران باعث کاهش تمایل به همکاری می‌شود؛ افزایش این عامل به اندازه یک انحراف معیار، باعث کاهش نسبت بخت تمایل به کمک به اندازه ۲۶ درصد می‌شود  $\exp(-0.27) = 0.76$ . این امر نیز هر چند پیش‌بینی نشده بود، ولی توجه‌پذیر است: کسانی که امیدی به پیشرفت علمی ندارند، طبیعی است که نخواهند برای پیشرفت ایران انرژی صرف کنند.

دغدغه کمک به پیشرفت بزرگ‌ترین تأثیر را بر تمایل به همکاری دارد؛ افزایش متغیر دغدغه کمک به پیشرفت از صفر به یک، باعث افزایش نسبت بخت تمایل به کمک به اندازه ۴/۵ برابر ( $\exp(1.51) = 4.5$ ) می‌شود (۴۵۰ درصد)، که رقم چشمگیری است.

#### جدول ۶. عوامل مؤثر در تمایل برای کمک به ایران در صورت سکونت در خارج از کشور

عوامل	تمایل به کمک از خارج	تمایل به کمک از خارج	تمایل به کمک از خارج
دغدغه کمک به پیشرفت	۰۰۰۱/۶۷۷	۰۰۰۱/۵۵۹	۰۰۰۱/۵۱۴
	(۰/۲۰)	(۰/۱۹)	(۰/۱۸)
کیفیت زندگی	۰/۲۴۲	۰/۲۹۳	۰/۲۴۲
	(۰/۱۳)	(۰/۱۲)	(۰/۱۲)
بازگشت به میهن	۰/۰۴۵	۰/۱۲۴	۰/۱۳۹
	(۰/۱۲)	(۰/۱۱)	(۰/۱۱)
احساس وظیفه	۰۰/۳۶۷	۰۰۰/۴۵۲	۰۰۰/۴۳۲
	(۰/۱۳)	(۰/۱۳)	(۰/۱۳)
تأثیر گذاری	۰/۰۵۲	-۰/۰۲۶	-۰/۰۲۴
	(۰/۱۲)	(۰/۱۲)	(۰/۱۱)



عوامل	تمایل به کمک از خارج	تمایل به کمک از خارج	تمایل به کمک از خارج
کیفیت پژوهش	°°-۰/۲۹۲	°°-۰/۲۷۲	°°-۰/۲۷۱
	(۰/۱۱)	(۰/۱۰)	(۰/۱۰)
مشکلات اقتصادی	۰/۰۴۲	-۰/۰۲۶	-۰/۰۱۲
	(۰/۱۱)	(۰/۱۰)	(۰/۱۰)
لگاریتم سنوات خارج از کشور	۰/۰۱۶	۰/۰۴۳	
	(۰/۱۳)	(۰/۱۱)	
لگاریتم سن	۰/۱۶۷		
	(۰/۸۱)		
مرد	-۰/۳۳۶		
	(۰/۱۸)		
دکتری	۰/۲۸		
	(۰/۱۷)		
ثابت	۰/۰۶۴	°°° ۰/۶۶۲	°°° ۰/۷۴۹
	(۲/۷۰)	(۰/۱۹)	(۰/۱۴)
N	۱۱۸۹	۱۳۱۶	۱۳۵۸
Log likelihood	-۴۶۹/۷	-۵۲۰/۹	-۵۳۸/۶
Pseudo R <sup>2</sup>	۰/۱۶۶	۰/۱۵۶	۰/۱۵۲

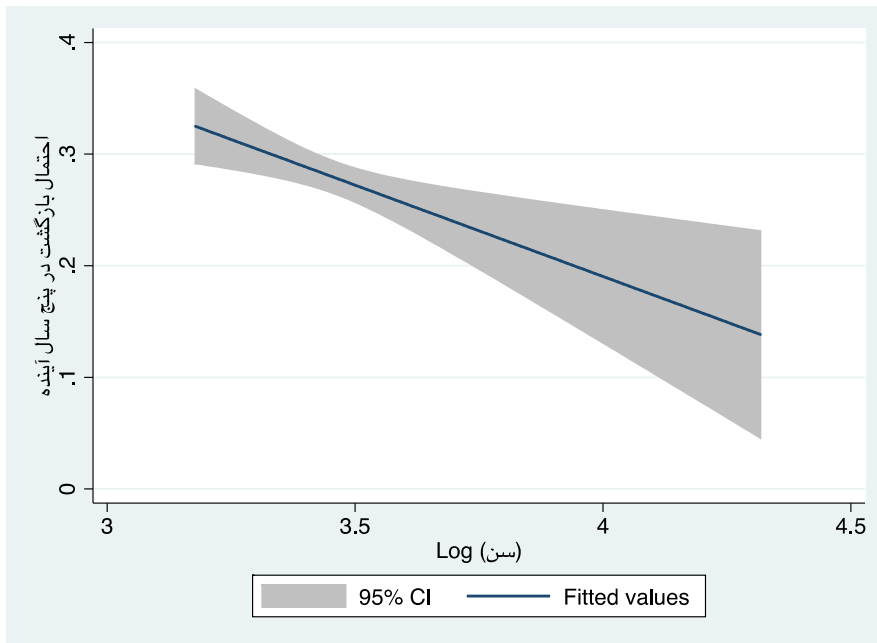
توضیح: خطای استاندارد هر تخمین زیرش در پرانتز آمده است.

معناداری آماری با ستاره نشان داده شده است: \* p < 0/05, \*\* p < 0/01, \*\*\* p < 0/001

مأخذ: همان.

آخرین گام در تحلیل کمی این پژوهش، بررسی تأثیر متغیرهای دموگرافیک بر عوامل استخراج شده است. متأسفانه پیمایش مورد استفاده به‌رغم خصوصیات منحصر به فرد و ارزشمند، در متغیرهای دموگرافیک از غنای چندانی برخوردار نیست. اما خوشبختانه متغیرهای اصلی مورد نیاز این پژوهش که سن و سنوات اقامت خارج از کشور هستند را شامل می‌شود. نمودار ۲ رابطه کلی احتمال بازگشت و لگاریتم سن را، همراه با بازه فاصله اطمینان آن نشان می‌دهد.

نمودار ۲. رابطه بین احتمال بازگشت و لگاریتم سن افراد



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۷ نشان‌دهنده رگرسیون خطی عوامل استخراج شده روی این متغیرهاست. گفتنی است که همبستگی متغیرهای لگاریتم سن و لگاریتم سنوات خارج از کشور تنها ۰/۵۴ است و نگرانی از بابت وجود هردوی آنها در مدل نیست. به‌روشنی می‌توان دید که گذر زمان باعث افزایش اصلی (کیفیت زندگی در ایران) و کاهش مشوق اصلی (بازگشت به میهن) می‌شود. افزایش دو برابری سنوات خارج از کشور با افزایش ۴۳ درصدی مانع کیفیت زندگی همراه است:  $\exp(0.525 \times \ln 2) = 1.43$ . همچنین دو برابر شدن سن با کاهش ۹ درصدی مشوق بازگشت به میهن همراه است:  $\exp(-0.132 \times \ln 2) = 0.91$ . گذر زمان باعث افزایش مشوق تأثیرگذاری در ایران می‌شود به‌طوری‌که افزایش دو برابری سنوات خارج از کشور با افزایش ۸ درصدی این مشوق همراه است:  $\exp(0.112 \times \ln 2) = 1.08$ . ازسویی اما، گذر زمان باعث کاهش مانع مشکلات اقتصادی می‌شود: دو برابر شدن سنوات اقامت

خارج از کشور با کاهش ۴۷ درصدی مانع مشکلات اقتصادی ( $\exp(-0.67 \cdot \ln 2) = 0.63$ ) همراه است. به‌طور کلی، نتایج تأییدکننده فرضیه چهارم هستند، هرچند نتیجه تا حدودی پیچیده است. بعضی از موانع و مشوق‌ها با گذر زمان پررنگ‌تر و بعضی با گذر زمان کم‌رنگ‌تر می‌شوند، اما دو عامل مهم‌تر هر دو جهتی از زمان تأثیر می‌پذیرند که گذر زمان احتمال بازگشت را کم می‌کند. بنابراین، می‌توان نتایج را همان‌گونه که نمودار ۲ نشان می‌دهد، مؤید فرضیه چهارم نیز دانست.

جدول ۷. نتایج رگرسیون عامل‌ها روی متغیرهای دموگرافیک

تغییر عوامل	کیفیت زندگی	بازگشت به میهن	احساس وظیفه	تأثیرگذاری	کیفیت پژوهش	مشکلات اقتصادی
لگاریتم سنوات خارج	°/۵۲۵	-۰/۱۵۴	-۰/۲۶	-۰/۴۱۸	-۰/۲۷۴	-۰/۶۷۰
	(۰/۲۵)	(۰/۲۶)	(۰/۲۵)	(۰/۲۴)	(۰/۲۵)	(۰/۲۴)
لگاریتم سن	-۰/۰۶۵۸	°°-۰/۱۳۲	۰/۰۵۲۵	°°۰/۱۱۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۰۹۸۱
	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)
مرد	°°°-۰/۳۶۴	۰/۰۰۲۷۲	-۰/۰۲۷۳	°۰/۱۰۶	-۰/۰۹۱۶	۰/۰۹۱۹
	(۰/۰۶)	(۰/۰۶)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)
دکتری	°-۰/۱۳۱	۰/۰۶۳۱	°°۰/۱۷۲	۰/۰۸۱۳	۰/۰۴۵۵	۰/۰۸۱۴
	(۰/۰۶)	(۰/۰۶)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)
ثابت	-۱/۴۱۶	۰/۶۵۹	۰/۷۴۹	۱/۲۰۷	۰/۹۲	°°۲/۲۱۸
	(۰/۸۵)	(۰/۸۶)	(۰/۸۵)	(۰/۸۱)	(۰/۸۳)	(۰/۷۹)
N	۱۱۹۴	۱۱۹۴	۱۱۹۴	۱۱۹۴	۱۱۹۴	۱۱۹۴
R <sup>2</sup>	۰/۰۴۴	۰/۰۱۷	۰/۰۱	۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	۰/۰۱۷

توضیح: خطای استاندارد هر تخمین زیرش در پرانتز آمده است.

معناداری آماری با ستاره نشان داده شده است: \*  $p < 0/001$ ، \*\*\*  $p < 0/01$ ، \*\*  $p < 0/05$

مأخذ: همان.

#### ۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در این پژوهش ابتدا نشان داده شد که ایران یک استثنای عجیب در مورد مهاجرت نیست و حتی از مهاجرفرست‌ترین کشورها هم محسوب نمی‌شود، بلکه ضعف در پایین بودن نرخ بازگشت متخصصان به کشور است. مطالعه کمی انجام شده روی تحصیل‌کردگان ایرانی مقیم آمریکا تأیید‌کننده فرضیات به‌دست آمده از بخش کیفی است، هرچند تکمیل این مطالعه نیازمند داده‌هایی کامل‌تر است. مشاهده شد که موانع و مشوق‌های ذهنی بازگشت را به‌طور کلی در ۶ زمینه می‌توان خلاصه کرد. موانع عبارتند از: کیفیت زندگی پایین‌تر در ایران برای خود و فرزندان و مشکلات اجتماعی و سیاسی در ایران، کیفیت پایین‌تر کارهای تحقیقاتی در ایران و مشکلات اقتصادی بازگشت به ایران که از این میان کیفیت پژوهش در عمل تأثیری در تصمیم به بازگشت ندارد. مشوق‌ها عبارتند از: جذابیت‌های خانوادگی و میهنی در ایران، احساس وظیفه و وامداری نسبت به ایران و قدرت تأثیرگذاری بیشتر در ایران است. از این میان کیفیت زندگی مهم‌ترین مانع و جذابیت‌های خانوادگی و میهنی مهم‌ترین مشوق برای بازگشت هستند. البته مشوق‌ها و موانع برای افراد مختلف متفاوتند مثلاً مشکلات اقتصادی برای جوانان پررنگ‌تر از مسن‌ترها نمود دارند. همچنین مشاهده شد که بیشتر افراد ابراز علاقه کرده‌اند که در صورت اقامت در خارج از کشور با ایران همکاری کنند. تنها مشوقی که در این خصوص نقش دارد احساس وظیفه است و تنها مانعی که مهم است پایین دانستن کیفیت پژوهش در ایران است. اما مهم‌ترین توصیه سیاستی این پژوهش براساس دو مشاهده شکل می‌گیرد: اول اینکه سنوات اقامت در خارج از کشور رابطه‌ای جدی با احتمال بازگشت دارد. با بالا رفتن سن، احتمال بازگشت پایین می‌آید. به‌نظر می‌رسد پس از فارغ‌التحصیلی، یک پنجره طلایی وجود دارد که در آن احتمال واقعی برای بازگشت وجود دارد. دوم اینکه افرادی که درون این پنجره بازگشت قرار دارند افرادی هستند که نگرانی‌های اقتصادی دارند، یعنی با گذشت زمان نگرانی‌های اقتصادی این افراد رفع می‌شود اما به دلایل دیگر احتمال بازگشتشان پایین می‌آید. بنابراین، به‌نظر می‌آید باید برای بازگشت این قشر برنامه‌ریزی بهتری انجام شود. توصیه سیاستی دیگر این است که یکی از اولویت‌های سیاستگذاری درباره مهاجرت باید استفاده از سرمایه، تجربه، دانش و ارتباطات ایرانیان خارج از کشور باشد. داده‌ها نشان

می‌دهد بیشتر این افراد، حتی اگر قصد بازگشت به ایران نداشته باشند، به شدت تمایل دارند برای پیشرفت ایران کمک کنند. یکی از موانع این امر ناآگاهی متخصصان خارج از کشور از وضعیت واقعی پژوهش در کشور است و چنانچه مشاهده شد، افرادی که از وضعیت پژوهش ایران ناامیدترند، کمتر به همکاری تمایل دارند. بر این اساس انتظار می‌رود ارائه تصویری مناسب از وضعیت پژوهش در داخل (که در دو دهه اخیر دستاوردهای فراوانی داشته است و در رتبه‌های بین‌المللی هم رکوردهای ارزنده‌ای به دست آورده است) و تلاشی گسترده‌تر برای ارتباط با ایرانیان متخصص خارج از کشور، باعث تشویق این افراد به همکاری بیشتر برای رشد و اعتلای علمی ایران شود.

Archive of SID

## پیوست - پرسشنامه نظرسنجی بازگشت (آل یاسین و همکاران، ۱۳۹۳):

۱. آیا به برگشتن به ایران به طور جدی فکر می کنید؟
۲. آیا کمک به پیشرفت ایران، بخشی از دغدغه های اصلی شما تلقی می شود؟
۳. در صورت حضور در خارج از ایران، آیا علاقه مند هستید در فعالیت هایی مرتبط با ایران همکاری داشته باشید؟
۴. شرایط مالی هنگام برگشت: درآمدها در ایران نسبت به کشورهای دیگر کم است و کفاف یک زندگی مناسب را نمی دهد.
۵. من دوست دارم زمانی که به ایران برمی گردم، تا حد خوبی استقلال مالی داشته باشم و بتوانم یک زندگی متناسب با توجه به شئون اجتماعی خودم داشته باشم.
۶. مشکل مسکن: با توجه به شرایط ایران برای من خرید مسکن ممکن نیست. اجاره و رهن هم با توجه به درآمد کم در بدو ورود دشوار خواهد بود.
۷. عدم قطعیت در پیدا کردن شغل: من در مورد شغل خودم در بدو بازگشت مطمئن نیستم. اگر می دانستم که هنگامی که به ایران برمی گردم برای ۳-۴ سال اول شغل مناسبی خواهم داشت، به ایران برمی گشتم.
۸. عدم تناسب دانش و تجربه من با امکانات ایران: من در این مدت که خارج از ایران بوده ام برای ساختن شغل خود و پیشرفت شغلی تلاش زیادی کرده ام. اگر به ایران برگردم، پیشرفت های شغلی که اینجا داشته ام فایده چندانی ندارند و باید از اول شروع کنم.
۹. نداشتن شبکه ارتباطی با صاحبان حرفه: من چند سال است که خارج از ایران بوده ام و شبکه ارتباطی قوی ای در ایران ندارم و به نظر من موفقیت در ایران بدون شبکه ای از افراد ممکن نخواهد بود.
۱۰. مشکلات محیط های کاری: مسائلی مثل زدوبندهای کاری، عدم تناسب موقعیت افراد با شایستگی هایشان، وابستگی زیاد بازار به دولت و بعضی نهادهای قدرت و... چشم انداز روشنی از کار در ایران ترسیم نمی کند.
۱۱. ضعف امکانات تحقیقاتی: رشته تخصصی من نیازمند امکانات آزمایشگاهی و تحقیقاتی گسترده ای است که در حال حاضر در ایران موجود نیست و در آینده نزدیک هم امیدی به تحقق آن نیست.
۱۲. فرایند جذب دانشگاه: هدف اصلی من عضویت هیئت علمی است. طولانی و نامشخص بودن فرایند جذب در دانشگاه ها (برای مثال مسئله گزینش) باعث نگرانی من می شود.
۱۳. فقدان دوستان: اکثر دوستان من دیگر در ایران نیستند. اگر به ایران برگردم احساس تنهایی می کنم و این موضوع مرا دلسرد می کند.

۱۴. کیفیت زندگانی: مواردی مثل ترافیک و آلودگی هوا و به طور کلی کیفیت پایین زندگی در ایران و از طرفی تمرکز تمام امکانات در تهران، یکی از موانع اصلی بازگشت من به ایران است.
۱۵. آینده بهتر برای فرزندان: من به دلایل مختلف دوست ندارم فرزندانم در ایران بزرگ شوند.
۱۶. سربازی: مشکل سربازی یکی از موانع اصلی بازگشت بلندمدت من به ایران است.
۱۷. جنسیت؟
۱۸. چند سال است که خارج از ایران هستید؟
۱۹. هم اکنون در چه کشوری ساکن هستید؟
۲۰. زمینه کاری/تحصیلی شما چیست؟
۲۱. مقطع تحصیلی شما چیست؟
۲۲. مشکلات اجتماعی و فرهنگی: شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران مرا آزار می‌دهد. مسائلی مانند عدم رعایت حقوق دیگران، برخی قانون‌های ناعادلانه، نبود آزادی‌های اجتماعی، دخالت در کار دیگران و بسیاری از مسائلی که هر فردی به طور روزمره با آنها سروکار دارد برای من آزاردهنده است.
۲۳. عدم قطعیت بلندمدت سیاسی: من به پایداری شرایط سیاسی ایران خوشبین نیستم و نگرانی از آینده سیاسی بلندمدت ایران یکی از موانع اصلی برگشت من است.
۲۴. محدودیت دسترسی به اطلاعات: محدودیت‌های اینترنت، سرعت پایین و فیلترینگ سایت‌ها دسترسی مرا به اطلاعات کاسته و مانع فعالیت مؤثر من می‌شود.
۲۵. عدم ارتباط صنعت با دانشگاه: من دوست دارم که نتیجه تحقیقاتم در دانشگاه وارد صنعت شود و به بار بنشیند، اما در ایران ارتباط بین صنعت و دانشگاه بسیار ضعیف است.
۲۶. مشکل ارتباط با محافل علمی خارج از ایران: من دوست دارم تحقیقاتم را در حد پیشرفته ادامه بدهم و بتوانم ارتباطم با محافل علمی دنیا را حفظ کنم. برگشتن به ایران این ارتباط را برایم دشوار می‌کند.
۲۷. متولد چه سالی هستید؟ (شمسی)
۲۸. عدم احساس مفید بودن: هزاران نفر در حد و اندازه‌های توانایی من در آمریکا و اروپا هستند. کاری که من در خارج از کشور انجام می‌دهم در عین حال که مفید و کارآمد است ولی در کل اثر ناچیزی دارد. من در خارج از ایران به اندازه کافی احساس مؤثر بودن نمی‌کنم. این باعث می‌شود انگیزه‌ام برای بازگشت به ایران بیشتر شود.

۲۹. من فکر می‌کنم به دلیل اختلافات فرهنگی-زبانی، در شغل خودم در خارج از ایران از یک حدی بیشتر رشد نخواهم کرد.
۳۰. من به دلیل ملاحظات ایدئولوژیک برگشتن به ایران را برای خودم یک تکلیف می‌دانم.
۳۱. احساس تعهد اخلاقی: من احساس می‌کنم که به ایران مدیونم و باید در بهتر شدن شرایط ایران سهمی داشته باشم. به همین دلیل فکر می‌کنم اگر در این راستا هیچ تلاشی نکنم در آینده پشیمان می‌شوم.
۳۲. عدم سنخیت با فرهنگ غربی: من با فرهنگ غربی احساس سنخیت نمی‌کنم، و زندگی در فرهنگ ایرانی را ترجیح می‌دهم.
۳۳. احساس غربت: من در ایران بزرگ شده‌ام و نسبت به آنجا احساس تعلق خاطر دارم. ایران را «خانه» و «وطن» خودم می‌دانم، ولی زندگی خارج از ایران همیشه برایم با حس «غربت» همراه است. به همین دلیل دوست دارم در ایران زندگی کنم.
۳۴. من جهت‌گیری کلی سیاست‌های کشورهای غربی را درست نمی‌دانم و نمی‌خواهم در پیشبرد چنین سیاست‌هایی نقش داشته باشم.
۳۵. امکان دستیابی به نقش‌های کلیدی: با توجه به کم بودن افرادی با تحصیلات و تخصص من در کشور، فکر می‌کنم در بلندمدت فرد متمایز و بانفوذی خواهم بود. این احساس نفوذ و قدرت یکی از انگیزه‌های اصلی من برای بازگشت است.
۳۶. احساس مفید بودن در ایران: من باور دارم که توانایی‌ها و استعدادهای من در ایران مؤثر خواهد بود و حضور من در ایران برای جامعه سود خواهد داشت. این احساس مفید بودن و تأثیرگذاری یکی از انگیزه‌های اصلی من برای بازگشت است.
۳۷. پدر و مادر و فامیل برای من خیلی زحمت کشیده‌اند و دوست دارم در روزگار میان‌سالی و پیری که به من نیاز دارند در کنارشان باشم.
۳۸. من به دلایل مسائل مذهبی دوست دارم در ایران زندگی کنم.
۳۹. زندگی در ایران حلقه‌های دوستانه همدلانه و صمیمانه‌تری برای من فراهم می‌کند.
۴۰. من ایران را محیط مناسب‌تری برای زندگی و رشد خودم و خانواده‌ام می‌دانم.
۴۱. تصور زندگی در غرب در دوران میان‌سالی و پیری برایم ناخوشایند است.
۴۲. بی‌ثباتی در قوانین برای کسب‌وکار: من دوست دارم کسب‌وکار جدیدی ایجاد کنم و به‌نظر می‌رسد فرصت‌های زیادی برای شروع کسب‌وکار در ایران هست، اما ثبات در قوانین وجود ندارد و تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در قوانین روی موفقیت کسب‌وکارها تأثیرگذار است.



۴۳. به‌طور نسبی کدام مانع وزن بیشتری در عدم بازگشت شما به ایران دارد؟
۴۴. به‌طور نسبی کدام انگیزه وزن بیشتری در تصمیم شما خواهد داشت؟
۴۵. با توجه به تمام انگیزه‌ها و موانعی که وجود دارد، چقدر محتمل می‌دانید که در پنج سال آینده به ایران برگردید؟
۴۶. تصور شما از شرایط مالی مناسب در ایران چیست؟ برای شما «حداقل» حقوق ماهانه برای یک زندگی مناسب چقدر است؟
۴۷. عقب‌ماندن از جریان: اگر به ایران برگردم، درحالی‌که اکثر دوستان و هم‌دوره‌ای‌هایم در خارج از ایران در حال پیشرفت در کارشان هستند، احساس عقب‌ماندن از جریان می‌کنم.
۴۸. سطح علمی پایین: به‌طور کلی سطح علمی و تحقیقاتی ایران در رشته من پایین‌تر از سطح جهانی است، و به همین دلیل کار علمی در دانشگاه‌های ایران برایم راضی‌کننده نیست.
۴۹. تحریم‌ها: با وجود تحریم‌ها توسعه بسیاری از فعالیت‌های علمی و صنعتی در ایران محدود خواهند ماند. بنابراین توقف یا ادامه تحریم‌ها در تصمیم من مؤثر است.
۵۰. تبعیض‌های جنسیتی: در محیط‌های کاری و جامعه ایران نگاه تبعیض‌آمیزی به زنان وجود دارد. محدودیت‌های اجتماعی زنان برای من آزاردهنده است.

## منابع و مآخذ

۱. آل یاسین، امیرحسین، محمد رشیدیان، آمنه شامخی، محمدامین صادقی، محمد مروتی و حمید مهینی (۱۳۹۳). «نظرسنجی انگیزه‌ها و موانع بازگشت به ایران»، آنلاین: [www.bazgasht.info](http://www.bazgasht.info)
۲. بلندهمتان، کیوان و شیرکوه محمدی (۱۳۹۴). «چرایی خودداری متخصصان از مهاجرت: بازنمایی هویت استادی»، راهبرد فرهنگ، ش ۳۱.
۳. پژوهشکده مطالعات فناوری (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی وضعیت کشور در مهاجرت و جابه‌جایی بین‌المللی افراد تحصیل کرده»، آنلاین: <http://www.css.ir/fa/content/91519>
۴. حاجی یوسفی، امیرمحمد و سمیه بهمرد (۱۳۸۵). «چرایی مهاجرت متخصصان از ایران پس از پایان جنگ تحمیلی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۴.
۵. شاه‌آبادی، ابوالفضل و آمنه جامه‌بزرگی (۱۳۹۳). «تأثیر آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی بر مهاجرت (با تأکید بر مهاجرت متخصصان)»، مجلس و راهبرد، ش ۷۷.
۶. علیپور، سمیره، نادر افقی و حمید عبداللهی (۱۳۹۳). «بررسی میزان تمایل بازگشت متخصصان مهاجر (مطالعه موردی ایران)، اولین کنفرانس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی».
۷. محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۳). «جهانی شدن و مهاجرت متخصصان: بررسی تجربه ایران». رفاه اجتماعی، ش ۱۵.
۸. موسوی راد، سیدحامد و حسین قدسیان (۱۳۹۴). «تحلیل مهاجرت متخصصان و تأثیر سیاست‌های بازدارنده با استفاده از پویایی‌های سیستم»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، دوره ۲۱، ش ۵۹.
9. Cassarino, J. P. (2004). "Theorising Return Migration: The Conceptual Approach to Return Migrants Revisited", *International Journal on Multicultural Societies (IJMS)* 6(2).
10. Castles, S. and M. J. Miller (1993). *The Age of Migration: International Population Movements in the Modern World*, London, Macmillan.
11. Ceobanu, A. M. and X. Escandell (2010). "Comparative Analyses of Public Attitudes Toward Immigrants and Immigration Using Multinational Survey Data: A Review of Theories and Research", *Annual Review of Sociology*, 36.

12. CNN (2017). "Iran's MIT", Online: <http://edition.cnn.com/2017/06/27/middleeast/irans-mit-sharif-university-technology/index.html>
13. Dodani, S. and R. E. LaPorte (2005). "Brain Drain from Developing Countries: How Can Brain Drain be Converted into Wisdom Gain?", *Journal of the Royal Society of Medicine*, 98(11).
14. Dustmann, C. and Y. Weiss (2007). "Return Migration: Theory and Empirical Evidence from the UK", *British Journal of Industrial Relations*, 45(2).
15. Fassin, D. (2011). "Policing Borders, Producing Boundaries. The Governmentality of Immigration in Bark Times", *Annual Review of Anthropology*, 40.
16. Hainmueller, J. and D. J. Hopkins (2014). "Public Attitudes Toward Immigration", *Annual Review of Political Science*, 17.
17. Hero, R. E. (2010). "Immigration and Social Policy in the United States", *Annual Review of Political Science*, 13.
18. International Organization for Migration (2018). "World Migration Report 2018", Online: <https://www.iom.int/wmr/world-migration-report-2018>
19. Koopmans, R. (2013). "Multiculturalism and Immigration: A Contested Field in Cross-national Comparison", *Annual Review of Sociology*, 39.
20. Lee, E. S. (1966). "A theory of migration", *Demography*, 3(1).
21. MacKay, D. I. (1969). *Geographical Mobility and the Brain: A Case of Aberdeen University Graduates, 1860-1960*, Allen and Unwin.
22. Ravenstein, E. G. (1876). *The Birthplaces of the People and the Laws of Migration*, Trübner.
23. Rudolph, C. (2003). "Security and the Political Economy of International Migration", *American Political Science Review*, 97(4).
24. Saxenian, A. (2007). *The New Argonauts: Regional Advantage in a Global Economy*, Harvard University Press.

25. Tobler, W. (1995). "Migration: Ravenstein, Thornthwaite, and Beyond", *Urban Geography*, 16 (4).
26. United Nations (2015). Online: <http://www.un.org/sustainabledevelopment/blog/2016/01/244-million-international-migrants-living-abroad-worldwide-new-un-statistics-reveal>

Archive of SID